

اقتصاد تروریسم: مفاهیم، محورهای اساسی و مطالعات تجربی

حسین درّی نوگورانی^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۸/۲۴

فصلنامه آفاق امنیت/سال پنجم/ شماره شانزدهم - پاییز ۱۳۹۱

چکیده

مطالعات گزارش شده در باره علل و زمینه‌های بسترساز اقتصادی تروریسم، هیچ نتیجه فراگیر و برانده‌ای برای همه موارد در پی نداشته‌اند. با تمرکز بر تروریسم فراملی، مروری بر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در میان شواهد دال بر اهمیت نسبی عوامل اقتصادی و غیراقتصادی تروریسم، ناسازگاری وجود دارد، و هنوز مطالعه جامعی با ملاحظه همه انواع عوامل بالقوه‌ی تأثیرگذار بر تروریسم به طور همزمان، گزارش نشده است. مشاهده‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از افراد دخیل در آنچه «تروریسم» نامیده می‌شود، در میان فقیرترین مردم نیستند. کشورهای پردرآمد نسبت به کشورهای کم‌درآمد، تروریسم بیشتری را تجربه می‌کنند، و عوامل غیراقتصادی، گاهی تروریست‌ها را تحریک می‌کنند. در ارزیابی پیامدهای تروریسم، علاوه بر اختلاف در تعریف‌ها، از روش‌شناسی‌ها و مجموعه داده‌های مختلف استفاده می‌کنند، و با تفاوت سطوح تحلیل (خرد یا کلان)، از تمرکزهای جغرافیایی و دیدگاه‌های نظری و متغیرهای متفاوت استفاده می‌کنند و به نتایج متفاوت نیز دست می‌یابند. در این میان، احتمالاً اندازه‌گیری هزینه‌های مستقیم تروریسم در قلمرو مورد بحث، ساده‌ترین کار است. اما از سوی دیگر، یک راه جایگزین برای اندازه‌گیری کل هزینه تروریسم عبارت است از مقایسه کل عملکرد اقتصادی کشورها یا مناطق با سطوح بالای تروریسم نسبت به کشورهایی با سطوح پایین تروریسم. بعلاوه، تعداد زیادی از مطالعات، بر اندازه‌گیری تأثیر حملات تروریستی بر گستره کل اقتصاد متمرکز شده‌اند. طریقه دیگر برای ارزیابی تأثیر ترور بر تولید کل، بررسی این تأثیر بر سهام شرکت‌های مختلف است. گذشته از هزینه‌های کلی تروریسم، بخش‌های مختلف اقتصادی تأثیرات متفاوتی از تروریسم می‌پذیرند. در این تحقیق، تأثیر تروریسم بر توریسم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت خارجی، و بازارهای مالی مورد توجه قرار گرفته‌اند. همه آنچه گفته شد، آموزه‌هایی برای سیاست‌گذاری و ساماندهی اقدامات ضدتروریستی است.

واژگان کلیدی: تروریسم، اقتصاد، سرمایه‌گذاری

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

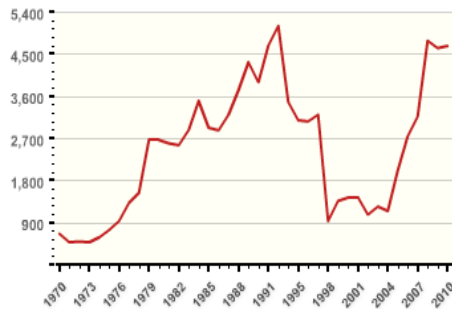


مقدمه

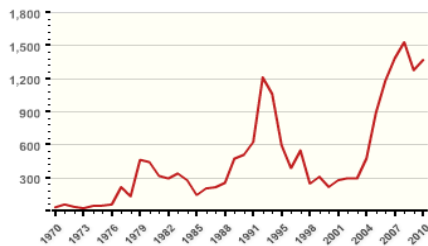
هشدار و ایجاد واهمه و ارباب همواره ابزار برخی افراد، مجامع و جوامع برای دستیابی به اهداف بوده است. این ابزار گاهی از تهدید فراتر رفته و با اعمال خشونت، به صدمه زدن و کشتن انسان‌ها انجامیده است؛ چنان که تروریسم که در جوهره خود ارباب و خشونت را دربردارد، سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. در برخی آمارها (GTD)، از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰، حدود ۹۸/۱۱۲ مورد واقعه تروریستی- با تعریف مرسوم در ادبیات علمی متعارف- گزارش شده است که در سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ با حدود ۵۲۰ مورد کمترین، و در سال ۱۹۹۲ با حدود ۵/۲۲۰ مورد، بیشترین فراوانی برای آن گزارش شده است. نگرشی به نمودار ۱ نشان می‌دهد تا سال ۱۹۹۲، این وقایع روندی افزایشی و پس از آن، تا سال ۱۹۹۸ روندی کاهشی داشته‌اند و به ویژه از سال ۲۰۰۴ به بعد، به شدت رو به افزایش گذاشته‌اند، به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۸ به حدود ۴/۶۸۰ مورد رسیده‌اند. البته شدت، اهمیت و تأثیر این وقایع به هیچ وجه یکسان نبوده‌اند. واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که منشأ و چگونگی آن هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، به عنوان حادثه‌ای فراملی قلمداد شد و با واکنش‌های آمریکا و متحدانش، تأثیراتی جهانی یافت. این حادثه مطالعات علمی درباره تروریسم را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داد و به آنها بسیار وسعت بخشید. در همان حال، وقایع تروریستی دیگری وجود دارند که از نظر پیامدهای انسانی و از دیدگاه حقوقی، بسیار شایان توجه هستند، اما تا این حد اهمیت نیافته‌اند و عملاً در مجامع بین‌المللی مسکوت گذاشته شده‌اند. نگاهی به نمودار ۲ نشان می‌دهد که روند وقایع تروریستی جهانی تقریباً مشابه روند مذکور به خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است. به نظر می‌رسد این مشابهت به سهم هنگفت مناطق یادشده از کل وقایع تروریستی بازگردد. در این میان، جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تشکیل تاکنون، قربانی فعالیت‌های تروریستی مستمر بوده است و از رهبر تا مردم عادی^۱ از آن مصون نبوده‌اند. برخورد با حرکت‌های ضد اشغالگری و ضد سلطه‌جویانه و هم‌چنین مقابله با اقدامات مستقل متعهد در سطح بین‌المللی، بعضاً به بهانه مقابله با تروریسم، از سوی قدرت‌های بزرگ توجیه می‌شود.

۱. گفته شده است در ایران بیش از ۱۶ هزار نفر فقط توسط یک گروه تروریستی کشته شده‌اند. مهمانپرست، سخنگوی وقت وزارت امور خارجه در ۱۳ آبان ۱۳۹۰ به صد سند نقش آمریکا در هدایت ترورها و تروریست‌ها در ایران و منطقه اشاره کرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات روز یادشده با اشاره به همین اسناد تصریح کردند: «ما یکصد سند غیرقابل خدشه از نقش آمریکا در هدایت ترورها و تروریست‌ها در ایران و منطقه داریم که با ارائه این صد سند، آبروی آمریکا و مدعیان حقوق بشر و مبارزه با تروریسم را در افکار عمومی جهان خواهیم برد.»





نمودار ۱- وقایع تروریستی گزارش شده از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ در سطح جهانی



نمودار ۲- وقایع تروریستی گزارش شده از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ در خاورمیانه و شمال آفریقا

این مقاله مروری فشرده بر مفاهیم و محورهای اساسی، پیشینه و مطالعات تجربی در خصوص عوامل و پیامدهای اقتصادی تروریسم دارد. البته فعالیت‌های ضد تروریسم نیز تحلیل و پیامدهایی اقتصادی دارند که به علت محدودیت زمان، در مجالی دیگر بررسی می‌شوند.

تعریف، عناصر اصلی و انواع تروریسم

تکیه و تأکید بر دقت تعریف (برداشت مفهومی) بدان علت اهمیت دارد که در مطالعات تجربی و مقداری، به مفهوم‌سازی و الگوسازی علمی نیاز است و چنین امری خود به تعریف دقیق عملیاتی از متغیرها و مفاهیم تأثیرگذار نیاز دارد. بسیاری از اختلاف نظرها و تفاوت در نتایج بررسی‌های تجربی نیز به اختلاف در مفاهیم و روش‌های شاخص‌سازی و برآورد باز می‌گردد.

درباره تعریف تروریسم توافق عمومی وجود ندارد.^۱ ترور را معمولاً در فارسی به

۱ . براساس مطالعه‌ای فقط در سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۸۱، ۱۰۹ تعریف مختلف از تروریسم ارائه شده است (مروی، ص ۳۲).

معنای «قتل سیاسی» به کار می‌برند.^۱ «Terror» از زبان فرانسوی قدیم^۲ و لاتین^۳ گرفته شده و به معنای «ترساندن» و «به وحشت انداختن» است. واژه‌های فتک،^۴ ارهاب^۵ و اغتیال^۶ در عربی نیز به نوعی معنای آن را دربردارند.^۷

در مطالعات اقتصادی، معمولاً تروریسم در یک جمله عبارت است از: «استفاده از پیش برنامه‌ریزی شده یا تهدید به استفاده از خشونت یا زور توسط افراد یا گروه‌های غیرحکومتی^۸ علیه افراد غیرجنگجو (غیرجنگاور)،^۹ برای دستیابی به هدفی سیاسی یا اجتماعی، از طریق ترساندن تعداد زیادی از کسانی (پیام‌گیران^{۱۰}) که فراتر از قربانی، در جریان این امر قرار می‌گیرند»^{۱۱} (Sandler and Arce, P. 778). در همان حال، در یک جمع‌بندی، برخی عناصر مشترک در بسیاری از تعریف‌ها عبارت‌اند از:

- اعمال یا تهدید به اعمال خشونت و زور (ارباب)؛^{۱۲}

- برنامه‌ریزی شده؛

- دارای انگیزه و هدف سیاسی یا اجتماعی؛

- قصد فراگیری فراتر از قربانیان فوری؛^{۱۳}

- ماهیت زیرزمینی (پنهانی، جنایی و مجرمانه).

۱. از جمله رک: (دهخدا). این مفهوم در واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز به کار رفته است. گاهی در این مورد از واژه «سوء قصد» نیز استفاده می‌شود.

2. Terrouir

3. Terrere

۴. فتک به: غدر به و اغتال؛ قتل مجاهره (انیس)

۵. ارهب فلاناً: خوفه و فرعه. الارهابیون: وصف کسانی است که رویکرد زور و ترساندن را برای تحقق اهداف سیاسی خود برگزیده‌اند (انیس).

۶. غاله: اخذه من حیث لا یدری فأهلکه (انیس).

۷. از جمله رک (شیرودی، ص ۱۵۷). ترساندن (به وحشت انداختن) و کشتن آشکار (در فتک) یا پنهان (در اغتیال)، به صورتی فریب‌کارانه (با نیرنگ)، ناگهانی، و غافلگیرانه؛ در مواردی نیز برای اشاره به ترور، از واژه «تصفیه» استفاده می‌شود.

8. Subnational

9. Noncombatants

10. Audience

۱۱. بانک اطلاعات جهانی تروریسم (Global Terrorism Database: GTD) وابسته به وزارت امنیت سرزمینی آمریکا در دانشگاه مریلند که در مقدمه بحث آمارهایی از آن بیان شد، اطلاعات مربوط را بر اساس این تعریف گردآوری کرده که تروریسم عبارت است از: «استفاده یا تهدید به استفاده از زور و خشونت غیرقانونی توسط یک بازیگر غیرحکومتی، برای دستیابی به هدفی سیاسی، اقتصادی، مذهبی یا اجتماعی از طریق ترساندن یا اجبار».

۱۲. در نتیجه، ایجاد واهمه و وحشت آفرینی

۱۳. گاهی از این عنصر از تعریف، به «فقدان انطباق آماج (شخص / اشخاص هدف‌گیری شده) و اهداف (موارد مد نظر اصلی)» یا «علیه قربانیان بدون تقصیر» یا «اقدامات خشونت‌پایه کور» و امثال آنها تعبیر کرده‌اند. البته تروریسم سرانجام اقدامی بدون ارزیابی و بدون تحلیل هزینه-فایده تلقی نمی‌شود و از این رو، در تحلیل آن گاهی از «تئوری بازی‌ها» و همچنین در مواردی از «روش بازیگر عقلایی» استفاده می‌شود (Sandler and Arce).



البته در برخی موارد، «بدون عنوان دفاع مشروع»^۱ و «تبلیغات»^۲ و «سازمان یافتگی» نیز از عناصر مفهومی تروریسم شمرده می‌شود.^۳ به طور خلاصه، ترور را می‌توان «وحشت‌آفرینی (همراه با پیام) و اعمال یا تهدید به اعمال خشونت و زور علیه افراد بی‌گناه غیردرگیر در امور جنگی، به صورتی برنامه‌ریزی (حساب / ارزیابی) شده، مخفیانه و غافلگیرانه، خارج از چارچوب قانون (مجرمانه) به منظور دستیابی به هدفی سیاسی (مرتبط با قدرت حاکم)» تعریف کرد.

در نوع‌بندی تروریسم، از تروریسم داخلی، فراملی (چندملیتی) و تروریسم انتحاری^۴ سخن به میان آمده است. تروریسم با جنگ‌های آزادی‌بخش و ضد استعماری و ضد اشغالگری و حتی جنگ‌های چریکی و انقلاب‌ها، شورش‌ها، کودتاها، راهزنی‌ها و امثال آنها متمایز است.^۵

با توجه به ویژگی‌های یادشده، آنچه با عنوان «تروریسم انتحاری» به گروه‌های جهادی ضد صهیونیستی نسبت داده می‌شود، به لحاظ موضوع از تعریف تروریسم خارج خواهد بود؛^۶ به ویژه که جان و سلامتی انسان‌های بی‌گناه برای مجاهدان ارزشمند است و عملیات کشنده علیه آنها به ناحق، شرعاً غیرمجاز است^۷ و فعالیت‌های مجاهدانه، در حقیقت به عنوان دفاع مشروع صورت می‌گیرد. تکلیف قتل انسان بی‌گناه به ناحق (ظالمانه)، در آیات قرآنی با صراحت بیان شده است؛^۸ از جمله در آیه ۱۵۱

۱ . به همین دلیل، در برخی تعریف‌ها از ویژگی «استفاده غیررسمی و غیرمجاز از خشونت و ارباب» استفاده می‌شود.

۲ . ترور دارای پیام است و در نتیجه، معمولاً با جار و جنجال و هیاهو و تبلیغات همراه است تا به نوعی از جنگ روانی نیز استفاده شود.

۳ . در این باره از جمله رک: (جمعی از نویسندگان).

4 . Suicide Terrorism

۵ . در این باره رک: (عبداله‌خانی، ص ۳۴؛ فیرحی و ظهیری، ص ۱۴۸).

۶ . اگرچه در بسیاری از مطالعات تجربی غربی، اقدامات مدافعانه این مجاهدان در ردیف وقایع وحشت‌آفرین علیه قربانیان غیردرگیر و بی‌گناه و در زمره ترور متعارف گنجانده می‌شود.

۷ . امام راحل ترور را مخالف منطق اسلام دانسته‌اند: «منطق اسلام ترور را باطل می‌داند» (موسوی خمینی (امام)، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۱۸۳).

۸ . در این باره از جمله رک: (شیرودی، ص ۱۶۰). البته در این میان، مفاهیم دیگری از جمله «تروریسم دولتی» (با اشاره به آیاتی از جمله «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا أَوْلِيَاءَ مِنْهُ تَبِيعَاتِهِمْ وَ يَسْتَحِبُّ نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ») و ترور «شخصیت» (به جای ترور «شخص» (با اشاره به آیاتی از جمله «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يُغْتَبَبْ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ أُوْحِدِكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات/۱۲)) مطرح می‌شود. هم‌چنین با الهام گرفتن از آیات قرآن کریم، شاید بتوان از مفاهیمی از جمله «ترور اخلاقی» استفاده کرد. در تفسیر نمونه برای توضیح آیه «لَا فِيهَا غَوْلٌ وَ لَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ» (صافات/۴۷) بیان شده است: «شراب‌های دنیا و مواد الکلی که به صورت تدریجی و مخفیانه در وجود انسان نفوذ می‌کنند و فساد و تباهی می‌آفرینند، نه تنها عقل و سلسله اعصاب را به ویرانی می‌کشند، بلکه در تمام دستگاه‌های بدن انسان، از قلب گرفته تا عروق، و از معده تا کلیه‌ها و کبد، تأثیر مخرب غیرقابل انکاری دارند؛ گویی انسان را «ترور» می‌کنند و نابود می‌سازند.»

سوره انعام (... وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ...)، و آیه ۷۴ سوره کهف (... قَالَ أَقْتَلْتُمْ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا نُكْرًا)، و آیه ۳۲ سوره مائده (... مِنْ قَتْلِ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...)، و آیه ۳۳ سوره اسراء (وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ...) نهی صریح از چنین قتلی صورت گرفته است. آیات مذکور می‌توانند از جمله مستندات نفی استفاده از سلاح هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران^۱ - که اتهام واهی تولید آن، مستمسک تحریم‌ها و تبلیغات انبوه علیه ایران شده است- به حساب آیند.^۲ علاوه بر این، اسلام حتی کشتن انسان‌ها را در برخی مجال‌هایی که گاهی در نگرش اولیه کاملاً طبیعی و بحق جلوه می‌کند، بنا به اهداف انسانی- الهی مردود می‌شمرد.^۳

تحلیل اقتصادی تروریسم

همان‌گونه که اشاره شد، مطالعات درباره تروریسم از واقعه ۱۱ سپتامبر به بعد بسیار گسترده‌تر شده است، هرچند برخی معتقدند با وجود این فراوانی، به آگاهی‌های اساسی قبلی چندان افزوده نشده است (Lussa and Tavares, P. 62). بسیاری از مطالعات در این قلمرو، به نوعی با بررسی علمی تعامل بین اقتصاد و امنیت و به عبارتی، «اقتصاد نامنی»^۴ ارتباط یافته و سرانجام، اقتصاد تروریسم به پیشینه تحقیق درباره موضوع اخیر که سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، پیوند خورده است. گفته می‌شود با گذشت زمان، حملات تروریستی کشنده‌تر، و پس از ۱۱ سپتامبر، سبک حملات و محل وقوع وقایع تروریستی دچار دگرگونی شده است؛ البته بیشتر دگرگونی، در

۱. مقام معظم رهبری به صراحت اعلام کرده‌اند: «بارها ملت ایران و مسئولان اعلام کرده‌اند که ما سلاح هسته‌ای را نمی‌خواهیم؛ این در سلسله نیازها و نظام تسلیحاتی ما اصلاً وجود ندارد. ما اعلام کردیم که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای از نظر اسلام حرام و ممنوع است و نگه داشتن آن ایجاد خطری بزرگ و دردسر بزرگ است» (۱۳۸۸/۰۳/۱۴). «ما نمی‌خواهیم سلاح هسته‌ای درست کنیم؛ نه به خاطر اینکه آمریکا از این ناراحت می‌شود؛ عقیده خود ما این است. ما اعتقاد داریم که سلاح هسته‌ای جنایت علیه بشریت است و نباید تولید شود. آنچه هم در دنیا هست، باید محو شود و از بین برود. این عقیده ماست؛ به شما ربطی ندارد. اگر ما این عقیده را نداشتیم و تصمیم می‌گرفتیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، هیچ قدرتی نمی‌توانست جلوی ما را بگیرد» (۱۳۹۱/۱۱/۲۸).

۲. بنا به برخی پژوهش‌ها، «با توجه به مؤلفه‌های چهارگانه تروریسم (خشونت، تنش‌زایی و ارباب، هدف نامشروع، فعل غافلگیرانه، مخفیانه و ظالمانه)، از منظر فقه می‌توان از باب محاربه، فتک، غدر و بغی، اقدامات تروریستی را محکوم کرد و مورد مجازات قرار داد. در این باره از جمله رک: (طارمی). برای آگاهی از حکم مجازات محارب رک: (موسوی خمینی (امام)، ج ۲، کتاب الحدود).

۳. در این باره رک: (طباطبایی، ج ۴، ۲۶۲). در آیه ۲۸ سوره مؤذنه به نقل از هابیل آمده است: «لَنْ يَسْتَبْتَ إِلَى يَدِكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»، زیرا قتل نفس به ناحق در پیشگاه الهی پذیرفته نیست.

۴. گاهی بین «نامنی» و «مخاطره» و هم‌چنین «ناطمینانی» تمایز قائل می‌شوند. با این تمایز، برخی مباحث «اقتصاد مخاطره» نیز مرتبط با اقتصاد تروریسم قلمداد می‌شوند. در این باره رک: (Schneider and Others, P. ۸)



ترکیب وقایع رخ داده است نه در سطح کل وقایع تروریستی (Enders, P. 816).

۱. زمینه‌ها و علل اقتصادی تروریسم

در بسیاری موارد، اعتراضات گروهی خاص را می‌توان علت تروریسم در نظر گرفت؛ اما پاسخ به این سؤال که «چرا برخی گروه‌ها و افراد، به جای بسیاری از روش‌های دستیابی به هدف، از اقدامات تروریستی استفاده می‌کنند؟» موضوع تحقیقاتی متعدد قرار گرفته است؛ به ویژه که این اقدامات در مواردی ناموفق و در نقطه مقابل، اقدامات قانونی مسالمت‌آمیز در مواردی موفقیت‌آمیز بوده‌اند. عمده مطالعات در این زمینه درباره دو محور اساسی محرومیت به صورت «فقر سیاسی» (سرکوب و...) و «فقر اقتصادی» متمرکز شده‌اند. روشن است که دستیابی به نتیجه‌ای دقیق درباره زمینه و عوامل (متغیرهای دخیل در) تروریسم می‌تواند در پیشگیری از ترور و ساماندهی فعالیت‌های ضد تروریستی مفید باشد.

با وجود برخی پیشنهادها در شناخت علل و زمینه‌های بسترساز تروریسم،^۱ مطالعات گزارش شده درباره علل اقتصادی تروریسم، هیچ نتیجه فراگیر و برآورده‌ای برای همه موارد در پی نداشته است. با تمرکز بر تروریسم فراملی، مروری بر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که میان شواهد دال بر اهمیت نسبی عوامل اقتصادی و غیراقتصادی تروریسم، ناسازگاری وجود دارد و هنوز مطالعه جامعی با ملاحظه همه انواع عوامل بالقوه تأثیرگذار بر تروریسم به طور هم‌زمان گزارش نشده است. علاوه بر تعامل «عوامل تعیین‌کننده» با «تروریسم»، وجود تعامل درونی- و در مواردی، هم‌خطی-^۲ بین عوامل یادشده دور از ذهن نیست. تصور می‌شود در کنار تأثیر ایجابی شرایط (فقر) اقتصادی بر تروریسم، ممکن است تروریسم نیز در علیتی معکوس، اثری منفی بر توسعه اقتصادی داشته باشد و این تعامل تشدید شود و هم‌افزایی داشته باشد (Schneider and Others, P. 31).

درباره علل تروریسم داخلی و انتحاری، کمتر گزارش پژوهشی در دست است و شواهد موجود بیان مستحکمی در این باره ندارند، و نمی‌توان بین این عوامل با علل تروریسم فراملی تمایزی دقیق قائل شد. به علاوه، استفاده از مجموعه داده‌های متفاوت و بزرگ که افق‌های زمانی وسیعی را پوشش می‌دهند، می‌تواند موجب بروز مشکلی شود که به اصطلاح «تئوری موجی تروریسم»^۳ نامیده شده است. در توضیح باید

۱. از جمله فقر و افت اقتصادی، فقر سیاسی (سرکوب و ...)، نهادها و مؤسسات ضعیف، قومیت، تاریخ و ...

۲. Collinearity: همبستگی بین متغیرهای مستقل

۳. Wave Theory of Terrorism؛ بنا به این تئوری، جهان تاکنون با چهار موج متمایز تروریسم با ویژگی‌های خاص خود روبه‌رو شده است.



خاطرنشان کرد که به بیان برخی نویسندگان، این امکان وجود دارد که با دگرگونی موجی از موج‌های چندگانه تروریسم، عوامل تروریسم نیز دگرگون شوند. از این رو، نباید عوامل تعیین‌کننده از جمله فقر در طول زمان، ثابت فرض شود.

با توجه به نارسایی‌های یادشده در زمینه علل ریشه‌ای تروریسم، به گفته برخی پژوهشگران، نمی‌توان هیچ فرضیه‌ای جهانی درباره علل تروریسم را رد کرد. این آگاهی می‌تواند برای انتخاب ابزارها و اقدامات ضد تروریستی نیز کاربرد آشکاری داشته باشد (Ibid, P. 33).

در توضیح منطقی نتایج برخی مطالعات تجربی مبنی بر اینکه «در مقایسه با سایر شکل‌های حکومت، دموکراسی‌های لیبرال نسبت به تروریسم مستعدترند»^۱ گفته می‌شود که آزادی در این‌گونه حکومت‌ها، موجبات آزادی تروریست‌ها را در پیوند و همدستی با یکدیگر و انتشار مخالفت و حتی در مواردی، دستیابی به وجوه و سلاح فراهم می‌کند. به علاوه، این‌گونه حکومت‌ها بعضاً در مقابل حملات تروریستی انعطاف‌پذیرتر (سازشکارتر) هستند و فشارهای سیاسی ناشی از این حملات، احتمالاً در موارد بیشتری این حکومت‌ها را به پذیرفتن خواسته تروریست‌ها وامی‌دارد (Enders, P. 860). در همان حال، برخی نویسندگان تصریح می‌کنند که هنوز روشن نیست آیا دموکراسی‌ها اهداف محتمل‌تری برای تروریسم هستند یا خیر؛ به ویژه که بیشتر مجموعه داده‌ها از آمارهای مربوط به «حملات رخ‌داده» تروریستی یا «قربانیان» ساخته شده‌اند و هزینه‌های فراوان مرتبط غیرمستقیم و روانی تروریسم را نمایان نمی‌کنند (Llusa and Tavares, P. 62).

شواهد آماری اندکی در این باره وجود دارد که فقر «علت» تروریسم باشد. کروگر و مالکوا^۲ در سال ۲۰۰۳ از داده‌های وزارت امور خارجه آمریکا برای آزمون رسمی رابطه بین تروریسم و درآمد در دوره ۲۰۰۲-۱۹۷۷ استفاده کردند. در رگرسیون بسیار ساده با ملاحظه جمعیت، آنها رابطه‌ای منفی بین تعداد حوادث تروریستی و تولید ناخالص داخلی سرانه یافتند. از این رو، بر اساس منطق متعارف، گرایش به این است که بین درآمد و تروریسم همبستگی منفی وجود داشته باشد؛ با وجود این، فقیرترین کشورها معمولاً سطح پایینی از آزادی مدنی دارند. وقتی کروگر و مالکوا مقیاسی از آزادی‌های مدنی را در معادله رگرسیونی گنجانند، متغیر تولید ناخالص داخلی

۱. از جمله مطالعات Hoffman در ۱۹۹۸، Li در ۲۰۰۵ و Weinberg و Eubank در ۱۹۹۸

از نظر آماری بی‌معنا شد و صرف‌نظر از شکل معادله رگرسیونی، متغیر آزادی‌های مدنی همواره در سطحی بالاتر از ۰/۰۲ معنادار بود. براساس نتیجه‌گیری آنها، فقدان آزادی‌های سیاسی- نه فقر- موجب بروز تروریسم می‌شود (Enders, P. 861).

در مطالعه‌ای اخیرتر، بلامبرگ، هس و ویراپانا^۱ در سال ۲۰۰۴، با استفاده از داده‌های تابلویی^۲ از ۱۲۷ کشور در دوره ۹۱-۱۹۶۸، رابطه بین شرایط اقتصادی (ادوار تجاری) و سطح تروریسم را برآورد کردند. آنها نشان دادند که در کشورهای پردرآمد و دموکراتیک، پیوندهایی بین انقباض‌های اقتصادی و سطوح فزاینده تروریسم وجود دارد. بر اساس یافته‌های آنها، در همه کشورهای مورد بررسی، صرف‌نظر از دور تجاری (قرار داشتن در دوره انقباض اقتصادی)، احتمال انتقال از حالتی معمولی (بدون آن) به وضعیت پرتروریسم، تقریباً ۲۰ درصد است. به عبارتی، ۸۰ درصد احتمال دارد که کشوری که تروریسم را در سال جاری تجربه نکرده است، در سال آینده نیز آن را تجربه نکند. برای کشورهای پردرآمد در مقایسه با کم‌درآمدها، احتمال انتقال به وضعیت پرتروریسم، کمی بالاتر است. به علاوه، برای کشورهایی که در گذشته دارای سطوح درآمدی بالا بوده‌اند، دوره‌های انقباض تجاری با تروریسم پیوند دارد (Enders, P. 862).

در پایان این قسمت خاطرنشان می‌شود مشاهده‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از افراد دخیل در آنچه تروریسم نامیده می‌شود،^۳ در میان فقیرترین مردم نیستند.^۴ کشورهای پردرآمد نسبت به کشورهای کم‌درآمد، با تروریسم بیشتری مواجه هستند و عوامل غیراقتصادی^۵ گاهی تروریست‌ها را تحریک می‌کند؛^۶ از جمله اختلافات درآمدی

1 . Blomberg, Hess, and Weerapana: BHW

۲ . منظور از داده‌های تابلویی (Panel Data)، تلفیقی از داده‌های سری‌های زمانی و مقطعی در الگوهای اقتصادسنجی است. در داده‌های تابلویی (چندبعدی) برای موضوع مورد بررسی، موارد (پدیده‌های) مورد نظر متعددی در چند وقت (دوره زمانی) مشاهده و برای برآورد کردن الگوها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۳ . در اینجا خاطرنشان می‌شود در مفهوم اشاره‌شده تروریسم در بیشتر مطالعات انجام‌شده، مصادیقی برشمرده شده‌اند که لزوماً با ویژگی‌های مفهومی تروریسم واقعی مطابقت ندارند.

۴ . بنا به یک فرضیه، پشتیبانی اقدامات تروریستی، با وضعیت آموزشی (تحصیلات) یا اقتصادی پایین‌تر همبستگی ندارد. در این میان، برای پاسخ به علل بروز تروریسم، برخی نویسندگان از جمله به جایگزینی افراطی (Extreme Trade off)؛ و برخی با تمرکز بر هویت گروهی (Group Identity)؛ و برخی به تمرکز بر ثنوری «کالاهای باشگاهی» (Club Good) (کالاهای جمعی: کالاهایی عمومی که استثناپذیر / محروم‌کردنی هستند اما رقابت‌پذیر نیستند). درصدد تحقیق برآمده‌اند. البته تنفر فردی نسبت به گروه‌ها یا کشورهای خاص می‌تواند ناشی از اطلاعات غلط و دستکاری‌شده رهبران گروه‌های تروریستی باشد (Llusa and Tavares, P. ۶۲).

۵ . اندرز «حضور آمریکا در عربستان» را مثال می‌زند.

۶ . در این میان، اشاره به بررسی رابطه بین فقر و جرم (غیرسیاسی)- که ترور نیز امری مجرمانه قلمداد شد- می‌تواند مفید باشد. در میان دانشمندان علوم اجتماعی این توافق وجود دارد که فقر به تنهایی موجب جرم نمی‌شود؛ با وجود این، پیوندهای ظریفی بین این دو پدیده وجود دارد.



فاحش و تنش آفرین بین دو گروه که در سایر ویژگی‌ها نسبتاً مشابه هستند و فقدان فرصت‌های اقتصادی برای برخی اعضای جامعه (تبعیض اقتصادی) می‌تواند در بروز اقدامات تروریستی مؤثر باشد (Ibid, P. 864).

۲. پیامدهای اقتصادی تروریسم

الف) نگرش کلی

در ارزیابی پیامدهای تروریسم، برآورد و تحلیل هزینه‌های تروریسم با دشواری‌های فراوان روبه‌روست. پیچیدگی‌های روش‌شناختی برآورد هزینه‌های «خرد و کلان»، «مستقیم و غیرمستقیم»^۱ و «فوری و کوتاه‌مدت و بلندمدت» انواع تروریسم (فراملی و داخلی و...) با استفاده از داده‌های کشورهای ناهمگون، تقریباً حل‌ناشدنی به نظر می‌رسد. «محاسبه مضاعف»^۲ و «ارزش‌گذاری پارامترهای غیرپولی» و «ناکافی و بعضاً تورش‌دار بودن داده‌ها» و «محدودیت‌های علم اقتصاد» در این ارزیابی، از جمله چالش‌های روش‌شناختی تحلیل هزینه‌های تروریسم به شمار می‌آیند (Schneider and Others, P. 11). مطالعات تجربی، علاوه بر اختلاف در تعریف‌ها، از روش‌شناسی‌ها و مجموعه داده‌های مختلف بهره می‌گیرند و با تفاوت سطوح تحلیل (خرد یا کلان)، از تمرکزهای جغرافیایی و دیدگاه‌های نظری و متغیرهای متفاوت استفاده می‌کنند و به نتایجی متفاوت نیز دست می‌یابند.

احتمالاً اندازه‌گیری هزینه‌های مستقیم تروریسم در قلمرو مورد بحث، ساده‌ترین کار است. بر اساس برآورد هیأت تحلیل اقتصادی^۳ وزارت بازرگانی آمریکا، هزینه مستقیم حملات ۱۱ سپتامبر بر ساختمان‌ها و تجهیزات، ۱۶/۲ میلیارد دلار بوده است؛ به همراه هزینه ۱۰ میلیارد دلاری پاکسازی و زیان ۲/۵ میلیارد دلاری دستمزدها به علت وقفه کاری دو روزه، هزینه مستقیم به ۲۸/۷ میلیارد دلار می‌رسد. با توجه به تقریباً ۳۰۰۰ کشته در ۱۱ سپتامبر، ۲۰ میلیارد دلار دیگر نیز بر هزینه مذکور افزوده می‌شود. در همان حال، اقتصاد آمریکا هزینه‌های اقتصادی دیگری را متحمل شده است که به طور غیرمستقیم به این واقعه مربوط بوده‌اند. ارزش‌گذاری هزینه رنج

۱. گاهی از هزینه‌های (تأثیرات) مستقیم و غیرمستقیم با عنوان هزینه‌های «مرتبه اول» (First-order) و «مرتبه دوم» (Second-order) سخن به میان می‌آید.

۲. Double Counting؛ محاسبه مضاعف به ویژه هنگامی رخ می‌دهد که در یک حادثه پیچیده و چندگانه تروریستی، مثلاً تعداد قربانیان به شکل‌های مختلف (آدم‌ربایی، بمب‌گذاری، هواپیمارمایی و ...) که عملاً در یک واقعه کشته شده‌اند، برای هر یک از این شکل‌ها به طور جداگانه اما هم‌زمان شمارش شوند.



و درد (بدبختی) و ارزش تولید از دست‌رفته بر اثر آسیب‌ها بسیار دشوار است. بیشتر کسری بودجه جاری دولت فدرال به هزینه‌های نظامی و امنیتی بیشتری مربوط می‌شود که برای آنچه «جنگ علیه ترور» نامیده شد، تخصیص یافته است. علاوه بر این، بنگاه‌های کسب و کار تدابیر امنیتی جدیدی به اجرا گذاشته‌اند و هزینه‌های بیمه بیشتری متحمل شده‌اند تا خود را از حملات تروریستی حفظ کنند. به تعبیری، ترس از تروریسم همانند مالیاتی بر کل اقتصاد آمریکا عمل کرده است (Enders, P. 849). به هر صورت، نااطمینانی و آنچه ارزیابی «غیرعقلایی»^۱ مخاطره از سوی افراد نامیده شده است، هزینه‌هایی فراتر از هزینه‌های متعارف ایجاد می‌کنند و مطلوبیت را بسیار فراتر از انتظار محاسبه‌پذیر زیان‌ها کاهش می‌دهند. درک این هزینه به همراه تأثیر منفی «ترس و تنفر» که امری ذهنی و درونی و مستقل از تولید است، احتمال دارد خساراتی ایجاد کند که بسیار فراتر از صدمه تنزیل‌شده هدف (موضوع هدف‌گیری‌شده توسط تروریست‌ها) باشد^۲ (Lussa and Tavares, P. 63). البته این برآوردها، بدون ملاحظه هزینه‌هایی است که این واقعه پیچیده برای سایر کشورها به همراه داشته است.

با توجه به عدم امکان محاسبه و جمع‌بندی هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تروریسم، محققان ابزارهای تحلیلی دیگری برای ارزیابی پیامدها به کار برده‌اند. یک راه جایگزین برای اندازه‌گیری کل هزینه تروریسم، مقایسه کل عملکرد اقتصادی کشورها یا مناطق با سطوح بالای تروریسم نسبت به کشورهایی با سطوح پایین تروریسم است. البته این مقایسه می‌تواند در چارچوبی رگرسیون نیز انجام شود که در آن، تروریسم یکی از متغیرهایی است که رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر بتوان همه عوامل رشد اقتصادی را لحاظ کرد، تفاوت نرخ‌های رشد کشورهای با حوادث تروریستی بالا و پایین می‌تواند هزینه‌های برآوردی تروریسم باشد.

تعداد زیادی از مطالعات بر اندازه‌گیری تأثیر حملات تروریستی بر گستره کل اقتصاد متمرکز شده‌اند. آنها نتیجه گرفته‌اند که هزینه مستقیم برای تولید کل و هم‌چنین رشد، نسبتاً کوچک و کوتاه‌مدت و کمتر از منازعه داخلی، جنگ خارجی یا بلایای طبیعی است؛^۳ اما برای جمعیت‌ها، مناطق و بخش‌های خاصی آثار نامساعد

1 . Non-rational

۲ . همان‌گونه که Viscusi و Zeckhauser در سال ۲۰۰۳، Sunstein در سال ۲۰۰۳، و Becker و Rubinstein در سال ۲۰۰۴ مطرح می‌کنند.

۳ . از جمله Navarro و Spencer در سال ۲۰۰۱، International Monetary Fund در سال ۲۰۰۱، و Hobijn در سال ۲۰۰۲ با بررسی زیان‌های فیزیکی و انسانی به این نتیجه رسیده‌اند.

ممکن است بسیار زیاد باشد. سطح درآمد و آزادی کشورها نیز در شدت تأثیرپذیری آنها از حملات تروریستی تعیین کننده است.

همچنین شیوه دیگر برای ارزیابی تأثیر ترور بر تولید کل، بررسی این تأثیر بر سهام شرکت‌های مختلف است. در این قلمرو، برخی پژوهشگران^۱ شواهدی یافته‌اند که این تأثیر نسبتاً کوتاه‌مدت است و احتمال دارد در خلال زمان کاهش یابد (Lussa and Tavares, P. 63). یکی از علل احتمالی این کاهش، وجود تنوع کارآمد در ترکیب سهام است که تأثیر مخاطره بر سهام خاص را کمتر می‌کند.

بلامبرگ، هس و اورفانیدس^۲ در سال ۲۰۰۴ از برشی مقطعی از ۱۷۷ کشور در دوره ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۰ برای اندازه‌گیری تأثیر متغیرهای مختلف مربوط به تروریسم بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی استفاده کردند. آنها برای تفکیک کشورهای آفریقایی و صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی با رشد کم اقتصادی و همچنین برای لحاظ کردن منازعات داخلی یا خارجی در کشور مورد بررسی، از متغیرهای مجازی استفاده کردند، و سطح درآمد اولیه هر کشور و نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص واقعی را نیز در معادله برآوردی گنجانده‌اند. آنها دریافتند که اگر یک کشور در سال دوره نمونه، در خاک خود دچار حوادث تروریستی فراملی شود، رشد درآمد سرانه‌اش ۱/۵۸۷ درصد در کل دوره نمونه (۳۳ سال) کاهش می‌یابد. از آنجا که هر سال تروریسم به طور متوسط به کاهش رشد به میزان فقط ۰/۰۴۸ درصد می‌انجامد، کل تأثیر آن در هر سال اندک است. شایان ذکر است تعداد حوادث تروریستی داخلی، بسیار بیشتر از حوادث فراملی است و متغیر مجازی «منازعه داخلی»، برخی آثار تروریسم داخلی بر رشد را به خود می‌گیرد. در نتیجه، احتمالاً هزینه تروریسم کمتر از واقع نشان داده می‌شود. بلامبرگ، هس و اورفانیدس هم‌چنین دریافتند که تروریسم مخارج دولت را افزایش و سرمایه‌گذاری خصوصی را با «اثر ازدحامی»^۳ کاهش می‌دهد. سطح کاهش یافته سرمایه‌گذاری، رشد را محدود می‌کند و موجودی سرمایه کشور کاهش می‌یابد (Enders, P. 851).

۱. از جمله Eldor و Melnick در سال ۲۰۰۴، Chen و Siems در سال ۲۰۰۴، و Choudhry در سال ۲۰۰۳

۲. Blomberg and Hess and Orphanides: BHO

۳. Crowding out



تاواریس^۱ نیز در سال ۲۰۰۴ با استفاده از داده‌های گروه زیادی از کشورها برای دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۷ مطرح کرد که کل هزینه اقتصادی کلان تروریسم کم- و در مواردی تقریباً صفر- است. در معادله برآوردی او، متغیر تروریسم مشتمل بر کل تعداد سرانه حملات یا کل تعداد سرانه تلفات حوادث تروریستی بود. با وجود نقدهای روش‌شناختی به این مطالعه،^۲ وی دریافت که متغیر تروریسم تأثیری منفی به میزان ۰/۰۳۸ درصد بر رشد سالانه تولید ناخالص داخلی داشته است که مقداری شبیه نتیجه بلامبرگ، هس و اورفانیدس است. علاوه بر این، وقتی عوامل تعیین‌کننده بیشتری در رابطه با رشد^۳ در معادله برآوردی گنجانده شدند، متغیر تروریسم از نظر آماری معنی‌دار یا منفی نبود (Enders, P. 851).

تاواریس در سال ۲۰۰۴ هزینه‌های تروریسم در کشورهای دموکراتیک را با این هزینه‌ها در کشورهای غیردموکراتیک مقایسه کرد. برخلاف برآوردهای قبلی او، همه ضرایب متضمن متغیر حقوق سیاسی برای نشان دادن دموکراتیک بودن کشور، از نظر آماری معنی‌دار بودند. در برآورد او، با افزایش سطح آزادی سیاسی، تأثیر یک حمله تروریستی بر رشد اقتصادی کاهش می‌یابد؛^۴ البته بنا به این برآورد، برای کشوری با سطح متوسط حقوق سیاسی، تروریسم می‌تواند رشد را اندکی (به اندازه ۰/۰۳۵۱۳ درصد) تقویت کند که این نتیجه، تأمل‌انگیز است (Ibid, P. 852).

اگرچه برآوردهای مقداری یادشده، تأثیر اندکی برای تروریسم نتیجه داده‌اند، اما نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که کشورهایی که در سالیان اخیر درگیر واقعه ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن و هم‌چنین اقدامات مقابله‌جویانه با استناد به آن شده‌اند، تأثیر قابل توجهی از آن پذیرفته‌اند. به هر صورت، احتمال دارد برخی کشورها آن قدر متفاوت باشند که نتوان آنها را در یک معادله رگرسیونی منفرد با داده‌هایی مقطعی یا تابلویی گنجانند. لحاظ کردن تفاوت فراوان کشورها با استفاده از متغیرهای مقداری کنترلی، بسیار دشوار و در برخی موارد ناممکن به نظر می‌رسد. علاوه بر آنچه درباره تفاوت کشورهای دموکراتیک با سازوکار بازار در مقایسه با کشورهای

1 . Tavares

۲ . از جمله، بسیار گزینشی بودن مجموعه داده‌های مورد استفاده او

۳ . از جمله متغیر آموزش (تحصیلات)، باز بودن تجارت، صادرات کالاهای اولیه و نرخ تورم

۴ . کاهش رشد سالانه به میزان ۰/۰۲۹ درصد؛ در توجیه این نتیجه مطرح شده است که دموکراسی‌ها معمولاً برای تخصیص منابع خود بر سازوکار بازار متکی هستند و نهادهای انعطاف‌پذیرتری دارند که بهتر می‌توانند در برابر حملات تروریستی مقاومت کنند.

غیردموکراتیک در رویارویی با تأثیرات وقایع تروریستی اشاره شد، اقتصادهای بزرگ و متنوع نیز نسبت به کشورهای کوچک با فقط تعداد اندکی بخش کارآمد و دیرپا، بهتر می‌توانند تکانه‌های تروریستی را جذب کنند. حساسیت داشتن برآوردهای الگوهایی با داده‌های تابلویی نسبت به تغییر در گروه‌بندی‌های خاص نیز احتمالاً به همین تفاوت‌ها باز می‌گردد. به علاوه، برخی مطالعات نشان می‌دهند که آشکار شدن برخی آثار تروریسم ممکن است با تأخیر و پس از چند دوره، تحقق پذیرد. تحلیل چنین عوامل تأخیری، در چارچوبی مقطعی دشوار است (Ibid, P. 864).

برخی پژوهشگران به مطالعات موردی درباره تأثیر تروریسم بر رشد اقتصادی روی آورده‌اند و در بررسی‌های خود درصد برآمده‌اند نارسایی‌های پیش‌گفته بررسی گروهی کشورها با استفاده از داده‌های مقطعی و تابلویی را چاره‌جویی کنند. از جمله اکشتاین و تسیدون^۱ در سال ۲۰۰۴ یک الگوی چهار معادله‌ای اتورگرسیو بُرداری^۲ را با استفاده از داده‌های فصلی دوره ۲۰۰۳-۱۹۸۰ به کار بردند تا تأثیرات حمله^۳ را بر تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی، سرمایه‌گذاری، صادرات، و مصرف کالاهای غیربادوام فلسطین اشغالی بررسی کنند. در برآورد آنها، تأثیر اولیه حمله بر فعالیت اقتصادی، یک‌چهارم بود. در معادله مورد استفاده، حمله متغیری از پیش تعیین شده در نظر گرفته شد که می‌توانست چهار متغیر کلان اقتصادی را به طور هم‌زمان تحت تأثیر قرار دهد. بیشترین تأثیر حمله بر صادرات و سرمایه‌گذاری نشان داده شد. تأثیر با وقفه حمله بر سرمایه‌گذاری، سه برابر بزرگ‌تر از این تأثیر بر مصرف غیربادوام، و دو برابر بزرگ‌تر از این تأثیر بر تولید ناخالص داخلی بود. نتیجه مذکور مؤید این برداشت است که در مواجهه با حمله، سرمایه‌گذاران بی‌درنگ وجوه خود را به محل‌های نسبتاً امن‌تر منتقل می‌کنند. بر اساس مطالعه مورد بحث، یک سطح پیوسته حمله، برای اقتصاد فلسطین اشغالی به اندازه کل دستاوردهای تولید

1 . Eckstein and Tsiddon

۲ . الگوهای VAR (Vector Autoregressive Models) الگوهایی متضمن وابستگی‌های متقابل خطی بین چند سری زمانی هستند. این الگوها، الگوهای یک متغیری اتورگرسیون (AR) را تعمیم می‌دهند و برخلاف الگوهای ساختاری و معادلات هم‌زمان که نیازمند شالوده نظری استواری هستند، چندان به آگاهی‌های خبرگی و مبنای تئوریک قوی نیاز ندارند. ویژگی‌های خاص این الگوها موجب شده است که به الگوهایی بعضاً موفق، انعطاف‌پذیر و نسبتاً آسان برای تحلیل سری‌های زمانی چندمتغیره تبدیل شوند.

۳ . از آنجا که بسیاری از حملات فلسطینی‌ها علیه نظامیان اشغالگر صهیونیست، به لحاظ موضوع از مفهوم «تروریسم» خارج است، به جای به کار بردن این واژه، از واژه «حمله» استفاده شده است؛ البته در صورتی که در «حمله»، ضوابط مطرح‌شده در مفهوم تروریسم در چارچوب حقوقی مورد قبول- که در قالب مباحث فقهی به برخی از آنها اشاره شد- رعایت نگردد، محکوم خواهد بود.



واقعی‌اش هزینه دارد، و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را صفر می‌کند. آبادی و گردیزابال^۱ با شبیه‌سازی در سال ۲۰۰۳، زیان‌های تولید ناخالص داخلی سرانه ناشی از تروریسم را در منطقه باسک اسپانیا^۲ برآورد کردند. به گفته آنها، تروریسم نااطمینانی و بازگشت مورد انتظار به سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. اقتصادهای باز که به جریان‌های بین‌المللی سرمایه وابسته‌اند، زیان‌های فراوانی از تروریسم متحمل می‌شوند. پیش از آغاز جریان تروریسم، مقدار تولید ناخالص داخلی سرانه منطقه ساختگی (شبیه‌سازی‌شده)، با این مقدار در منطقه باسک برابر بود، اما در دوره ۹۶-۱۹۷۶ (با تأثیر جریان تروریسم)، متوسط این مقدار در حدود ۱۰ درصد بیش از منطقه باسک بود. با برآوردی از مجموعه دارایی‌های سهام شرکت‌های مهم کسب و کار باسک، ارزش این مجموعه دارایی‌ها پس از آتش‌بس گروه جدایی‌طلبان باسک (اتا)^۳ در اواخر سال ۱۹۹۸، به میزان ۱۰/۱۴ درصد افزایش یافت و با لغو آتش‌بس در ۱۴ ماه بعد، ۱۱/۲۱ درصد افت کرد، در حالی که متغیر مجموعه دارایی سهام غیرباسک در معادله برآوردی، با اعلام آتش‌بس تغییری نکرد (Enders, P. 854).

در جدول ۱، (صفحه بعد) برخی شواهد تجربی درباره تأثیر تروریسم بر رشد اقتصادی خلاصه شده‌اند (Schneider and Others, P. 49).

1 . Abadie and Gardeazabal

۲ . نبردی ۲۵ ساله علیه دولت اسپانیا برای رسیدن به خودمختاری

3 . Euskadi Ta Askatasuna: ETA

جدول ۱- برخی شواهد تجربی درباره تأثیر تورویسم بر رشد اقتصادی

شماره ردیف	محقق / محققین	سال انتشار گزارش	قلمرو تحقیق	نتایج اساسی
۱	Abadie and Gardeazabal	۲۰۰۳	کشور باسک، ۱۹۵۵-۲۰۰۰	فعالیت تروریستی درآمد سرانه را کاهش می‌دهد. تروریسم بر عملکرد بنگاه‌ها تأثیری منفی دارد.
۲	Gaibullov and Sandler	۲۰۰۸	۱۸ کشور اروپایی ۱۹۷۱-۲۰۰۴	تورویسم داخلی، با عمدتاً افزایش غیرمولد مخارج دولتی، تأثیر اندکی بر رشد دارد. تورویسم فراملی، با اثر ازدحامی بر سرمایه‌گذاری، به طور قوی‌تری رشد را کاهش می‌دهد.
۳	Araz -Takay .etal.	۲۰۰۹	ترکیه، داده‌های فصلی ۱۹۸۷-۲۰۰۴	تورور تأثیری زیاد و منفی بر فعالیت اقتصادی می‌گذارد. این تأثیر هنگام گسترش اقتصادی، قوی‌تر است.
۴	Blomberg et al.	۲۰۰۴	داده‌های تابلویی نامتوازن ۱۷۷ کشور ۱۹۶۸-۲۰۰۰	تورویسم رشد را کاهش می‌دهد، اما این تأثیر در مقایسه با جنگ خارجی نسبتاً اندک است. تورویسم ممکن است با افزایش مخارج دولت، رشد را کاهش دهد.
۵	Crain and Crain	۲۰۰۶	داده‌های تابلویی ۱۴۷ کشور، ۱۹۶۸-۲۰۰۲	تورویسم رشد اقتصادی و درآمد سرانه را کاهش می‌دهد. کانال‌های بالقوه تأثیر تورور بر رشد، سرمایه‌گذاری و تورویسم کاهش یافته هستند.
۶	Tavares	۲۰۰۴	داده‌های بین‌کشوری، ۱۹۸۷-۲۰۰۱	تورویسم عامل مهمی در تعیین رشد نیست؛ هم‌چنین گاهی برای بررسی برخی عوامل مانند بحران نقدینگی یا بلایای طبیعی، ثابت در نظر گرفته می‌شود.
۷	Eckstein and Tsiddon	۲۰۰۴	(رژیم صهیونیستی)، داده‌های فصلی ۱۹۸۰-۲۰۰۳	حمله، از طریق ایجاد تغییراتی از جمله تأثیرگذاری منفی بر مصرف، سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد.

ب) نگرش تفصیلی: برخی متغیرهای منتخب کلان و رویکرد بخشی‌نگر
 صرف‌نظر از هزینه‌های کلی تورویسم، بخش‌های مختلف اقتصادی تأثیرات متفاوتی از



تورویسم می‌پذیرند. البته گردآوری داده‌های صنایع مختلف در کشورهای متعدد، بسیار دشوار است؛ به همین دلیل، بیشتر مطالعات تفصیلی (با ملاحظه متغیرهای خاص) و بخشی برای تحلیل هزینه‌های تورویسم، به جای داده‌های تابلویی، از سری‌های زمانی استفاده کرده‌اند.

در مروری کلی، یک تکانه شدید که روی زمان تمرکز دارد، احتمالاً در واکنش نسبت به تمایل به آزاد کردن منابع برای کاربردهای دیگر، مصرف و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس تحقیقات فیلدینگ^۱ در سال ۲۰۰۳ و اشتاین و تسیدون در سال ۲۰۰۴، پس از حملات تورویستی کاهش قابل توجهی در مصرف مشاهده می‌شود.

تحقیقات فیلدینگ در سال ۲۰۰۳، بلامبرگ در سال ۲۰۰۴ و اشتاین و تسیدون در سال ۲۰۰۴ نشان می‌دهد که به ویژه در پی تحقق اثر ازدحامی^۲، با افزایش مخارج عمومی در واکنش نسبت به اقدامات تورویستی، سرمایه‌گذاری خصوصی کاهش می‌یابد. نتایج تحقیقات آبادی و گاردیزابال^۳ در سال ۲۰۰۵ و تحقیقات اندرز و سندلر در سال ۱۹۹۶ درباره جریان‌های سرمایه بین‌المللی، و تحقیقات واکنهورست و دیهل^۴ در سال ۲۰۰۲ و نیچ و شوماخر^۵ در سال ۲۰۰۴ درباره جریان‌های تجارت بین‌الملل، کاهش در این جریان‌ها را بر اثر بروز فعالیت‌های تورویستی نشان داده است (Llusa and Tavares, P. 63).

– تورویسم

تأثیر تورویسم بر تورویسم و تقاضا برای خطوط هوایی، با توجه به احساسات مصرف‌کنندگان و آسیب‌پذیری خاص آنها نسبت به حملات، مورد توجه ویژه بوده است و بر پیامد منفی آن توافق وجود دارد.

جلب توجه پیام‌گیران برای تورویست‌ها موضوعی اساسی است. از انگیزه‌های حمله تورویست‌ها به مناطق تورویستی عمومی جلب توجه رسانه‌ها و هم‌چنین وارد آوردن زیان‌های درآمدی با بروز ناامنی، به منظور اعمال فشار است؛ زیرا در این صورت،

- 1 . Fielding
- 2 . Crowding-out Effect
- 3 . Abadie and Gardeazabal
- 4 . Walkenhorst and Dihel
- 5 . Nitsch and Schumacher



توریست‌ها برنامه‌های خود را برای مناطق نسبتاً امن ترتیب می‌دهند. اندرز و سندلر در سال ۱۹۹۱ با استفاده از یک روش VAR، تأثیر تروریسم بر توریسم را در اسپانیا بررسی کردند. اِتا در خلال سال‌های ۸۷-۱۹۸۵ تهدیدهای خود را علیه تجارت توریستی اسپانیا جهت‌دهی و حتی نامه‌های هشداردهنده‌ای در این مورد برای مراکز مسافرتی اروپا ارسال کرد. نتایج این بررسی با استفاده از داده‌های ماهانه نشان داد که تروریسم توریسم را تحت تأثیر قرار داده، و این تأثیرگذاری (علیت) یکسویه بوده است. بر اساس این برآورد، پس از ملاحظه همه تأثیرات ماهانه، هر حادثه فراملی تروریستی، بیش از ۱۴ هزار توریست را از سفر به کشور مد نظر منصرف می‌کند. با در نظر گرفتن مخارج متوسط هر توریست، زیان درآمدی ناشی از تروریسم بسیار هنگفت می‌شود (Enders, P. 855).

اندرز و همکاران او در سال ۱۹۹۲ با استفاده از یک تابع انتقال^۱، تأثیر تروریسم فراملی را در اتریش و اسپانیا و ایتالیا^۲ در دوره ۸۸-۱۹۷۴ بررسی کردند. تفصیل برآورد این تابع انتقال، در مطالعه اندرز در سال ۲۰۰۴ بیان شده است. بر اساس این برآورد، تروریسم تأثیری منفی با وقفه‌ای معنی‌دار بر سهم توریسم در هر کشور داشته است: یک فصل برای ایتالیا؛ سه فصل برای یونان؛ و هفت فصل برای اتریش. نیاز توریست‌ها به فرصت برای بازنگری در برنامه سفر خود، وقفه متغیرها را توجیه می‌کند. زیان کشورها در دوره مورد بررسی متفاوت بوده است: زیان ایتالیا ۸۶۱ میلیارد حق برداشت مخصوص^۳؛ زیان یونان ۳/۳۷ میلیارد حق برداشت مخصوص؛ و زیان اتریش ۴۷۲ میلیون حق برداشت مخصوص (Enders, P. 856).

دارکس و کوتان^۴ در سال ۲۰۰۳ با استفاده از داده‌های ماهیانه تروریسم فراملی، روش اندرز، سندلر و پاریس^۵ را برای یونان، فلسطین اشغالی، و ترکیه در دوره ۲۰۰۰-

۱. Transfer Function؛ با تحلیل این نوع تابع، می‌توان آثار غیرمستقیم تروریسم را بررسی کرد.
 ۲. سه کشوری که در خلال دوره مورد بررسی، شاهد حملات تروریستی فراملی بسیار چشم‌گیری بودند.
 ۳. Special Drawing Rights: SDRs؛ صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۷۰ حق برداشت مخصوص را برای نقل و انتقالات بین‌المللی به جای طلا معرفی کرد و به این ترتیب، حق برداشت مخصوص در واقع ذخیره‌داری اصلی در سیستم مالی بین‌المللی شد. در ابتدا، یک واحد حق برداشت مخصوص معادل یک دلار، یا ۳۵ واحد حق برداشت مخصوص معادل یک انس طلای خالص بود. اما از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۰، هر واحد حق برداشت مخصوص میانگین وزنی پول ۱۶ کشور مختلف در نظر گرفته شد که حجم صادرات و واردات‌شان در دوره ۵ ساله منتهی به ۱۹۷۲، بیش از یک درصد کل تجارت بین‌المللی بود. از سال ۱۹۸۱ به بعد، برای محاسبه هر واحد حق برداشت مخصوص، از میانگین وزنی ۵ پول عمده جهانی استفاده می‌شود که به طور روزانه و توسط صندوق بین‌المللی پول محاسبه می‌گردد. هم‌چنین صندوق بین‌المللی پول سبد حق برداشت مخصوص و ضریب اهمیت پول‌های درون سبد را هر ۵ سال یک بار مورد تجدید نظر قرار می‌دهد.

4 . Drakos and Kutun

5 . Enders and Sandler and Parise



۱۹۹۱ به کار بردند. آنها علاوه بر آثار داخلی، علاقه‌مند تحلیل آثار منفی و مثبت بین‌کشوری یا «آثار جانبی» بودند؛ به این معنا که یک حمله فراملی در فلسطین اشغالی، چگونه توریست‌های این منطقه را به مناطق امن‌تری در ایتالیا، یونان یا جاهای دیگر سوق می‌دهد. در مطالعه یادشده، با ملاحظه حملات فراملی محاسبه شد که یونان ۹ درصد، ترکیه بیش از ۵ درصد و فلسطین اشغالی کمتر از ۱ درصد سهم بازار توریسم خود را از دست داده‌اند. نزدیک به ۸۹ درصد توریسم ازدست‌رفته بر اثر تروریسم در اروپا، به مناطق توریستی سایر کشورها رفته‌اند. دارکس و کوتان آثار سرریز معنی‌داری دریافتند. بر این اساس، حملات کم‌شدت در فلسطین اشغالی، درآمدهای توریسم یونان را کاهش داده است (Ibid)؛ از این رو، با توجه به اثر جایگزینی^۱، زیان بخش توریسم یک کشور در نتیجه شکل‌گیری فضای ناامن ناشی از فعالیت‌های تروریستی ممکن است به نفع بخش توریسم کشوری دیگر باشد. به همین علت، تحلیل آثار تروریسم بر بخش‌های خاصی از کشورها می‌تواند از دیدگاه بین‌المللی نیز بسیار مفید باشد (Schneider and Others, P. 79).

در جدول ۲، نتایج اساسی مطالعاتی تجربی درباره تأثیر تروریسم بر توریسم گزارش شده است (Schneider and Others, P. 77).

جدول ۲- شواهدی تجربی درباره تأثیر تروریسم بر توریسم

شماره ردیف	محقق / محققین	سال	قلمرو تحقیق	نتایج اساسی تحقیق
۱	Enders and Sandler	۱۹۹۱	اسپانیا، داده‌های ماهیانه ۱۹۸۸-۱۹۷۰	تروریسم تأثیری منفی بر تعداد بازدیدکنندگان (توریست‌های) اسپانیا دارد. شواهدی دال بر علیت معکوس وجود ندارد.
۲	Enders et al.	۱۹۹۲	یونان، ایتالیا و اتریش، داده‌های فصلی ۱۹۸۸-۱۹۷۴	درآمد توریستی یونان، ایتالیا و اتریش در پی تروریسم، زیان‌های شدیدی متحمل شد.

۱. Substitution Effect؛ البته این جانشینی، در فعالیت تروریستی نیز مصداق دارد. تروریست‌ها نیز فعالیت خود را به مناطقی منتقل می‌کنند که انجام تحرکات تروریستی در آنجا ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر و در همان حال، پربازده‌تر باشد. در این باره رک: (Schneider and Others, P. ۳۸).

توریسم خارجی نسبت به حمله حساس است، در حالی که حمله داخلی این‌گونه نیست. انتقالات از حمله خارجی به داخلی در مواجهه با حمله نمی‌تواند زیان‌های کاهش توریسم بین‌المللی را جبران کند.	(رژیم صهیونیستی)، ۱۹۸۷-۱۹۹۹	۲۰۰۲	Fleischer and Buccola	۳
تورویسم همانند «تبلیغات بد»، جذابیت تورویسم در کشورهای هدف را کاهش می‌دهد. این تأثیر برای کشورهای در حال توسعه قوی‌تر است.	الگوی نیروی ثقل (گرانشی) بین‌بخشی، ۲۰۰۱-۲۰۰۳	۲۰۰۸	Llorca - Vivero	۴
در حالی که حمله - همانند بی‌ثباتی و جنگ داخلی - بر جریان‌های توریسم تأثیری منفی می‌گذارد، از آنجا که جریان‌های توریسم می‌توانند پس از این تکان‌های منفی ترمیم شوند، بخش توریسم هنوز مهم باقی می‌ماند.	مصر و (رژیم صهیونیستی)، ۱۹۵۵-۱۹۹۷ و ۱۹۷۱-۱۹۹۷	۲۰۰۰	Aly and Strazich	۵
در مقایسه با شدت حملات، فراوانی بالای حمله برای جریان‌های توریسم خطرناک‌تر است.	(رژیم صهیونیستی)، داده‌های ماهیانه ۱۹۹۱-۲۰۰۱	۲۰۰۲	Pizam and Fleischer	۶
تورویسم ورود توریست‌ها و سهم کشورهای هدف را از بازار توریسم کاهش می‌دهد. توریسم هم‌چنین آثار سرریز منطقه‌ای ایجاد می‌کند و عموماً جذابیت توریسم را در منطقه توریست‌زده کاهش می‌دهد.	یونان، ایتالیا و ترکیه، داده‌های ماهیانه ۱۹۹۱-۲۰۰۰	۲۰۰۳	Drakos and Kutun	۷

- خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

همان‌گونه که توریست‌ها از مناطق با احتمال حمله توریستی بالا پرهیز می‌کنند، احتمالاً سرمایه‌گذاران بین‌المللی نیز از مناطقی با فعالیت‌های توریستی فراوان، دوری می‌گزینند. روشن است که یک حمله توریستی می‌تواند زیرساخت را ویران کند و موجب اختلال در کسب و کار شود. بنگاه‌ها نیز درصدد پرهیز از هزینه‌های حفاظت از امکانات خود در برابر حملات توریستی هستند. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های



تأمین امنیت تأسیسات، هزینه‌های تأیید صلاحیت کارکنان و هزینه‌های اضافی بیمه می‌شود. از آنجا که کارکنان، کار کردن در محلی امن را به کار در فضای تروریستی ترجیح می‌دهند، هزینه‌های استخدام نیز افزایش می‌یابد. با افزایش سطح عمومی نااطمینانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به محیط‌های امن‌تر سوق می‌یابد. کشورهای بزرگی مانند فرانسه، آلمان و انگلستان جریان‌های ورود سرمایه خارجی خود را از منابع متعدد به دست می‌آورند و به نظر می‌رسد که حملات تروریستی را بدون تغییر مسیر کلی قابل توجه در جریان ورود سرمایه‌ها تحمل کنند. بازگرداندن اعتماد نیز در کشورهای بزرگی که به خوبی تجهیز شده‌اند، با اتخاذ تدابیر تدافعی پس از حمله تروریستی، بهتر صورت می‌گیرد. اندرز و سندلر در سال ۱۹۹۶ تأثیرات تروریسم بر خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دوره ۹۱-۱۹۶۸ را در دو کشور نسبتاً کوچک اروپایی یونان و اسپانیا که حملات تروریستی فراملی بسیاری را شاهد بوده‌اند، برآورد کردند. تحلیل شبیه‌سازی نشان داد که یک حادثه تروریستی فراملی نمونه در اسپانیا، خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را $23/8$ میلیون دلار کاهش داد. به طور متوسط، تروریسم فراملی، خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سالانه اسپانیا را $13/5$ درصد کاهش داد. در یونان این کاهش، $11/9$ درصد بود. این مقادیر برای دو کشور کوچک که به شدت به خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان منبع پس‌انداز در خلال دوره نمونه وابسته بوده‌اند، زیان قابل توجهی بوده است (Enders, P. 857).

- تجارت خارجی

نیچه و شوماخرا^۱ در سال ۲۰۰۴ با استفاده از داده‌های ۲۱۷ کشور در دوره ۷۹-۱۹۶۸، آثار تروریسم فراملی بر جریان تجارت دوجانبه (اثر تروریسم در هر کشور، بر همه شرکای تجاری آن کشور) را در یک الگوی نقطه ثقل (گرانشی) استاندارد تجارت^۲ برآورد کردند. در الگوی آنها، جریان تجارت بین شرکای تجاری، به حملات تروریستی، فاصله بین دو کشور، درآمد، درآمد سرانه و تعدادی متغیر مجازی بستگی داشت. آنها دریافتند که نخستین حمله تروریستی فراملی، تجارت دوجانبه را تقریباً به میزان قابل

1 . Nitsch and Schumacher

۲ . Standard Trade-gravity Model؛ الگوی گرانشی تجارت در اقتصاد بین‌الملل، شبیه الگوهای مشابه در علوم اجتماعی، جریان‌های تجاری دوجانبه را بر مبنای اندازه اقتصادی (غالباً با معیار تولید ناخالص داخلی) و فاصله بین دو واحد (دو کشور) پیش‌بینی می‌کند. این الگو برای نخستین بار توسط تین‌برگن (Tinbergen) در سال ۱۹۶۲ به کار رفت.

توجه ۱۰ درصد کاهش داده است؛^۱ آنها هم‌چنین دریافتند که دو برابر شدن تعداد حوادث تروریستی، تجارت دوجانبه را ۴ درصد کاهش داده است. در نتیجه، تروریسم می‌تواند بر تجارت دوجانبه تأثیری قابل توجه داشته باشد (Enders, 858).

- بازارهای مالی

چن و سیمس^۲ در سال ۲۰۰۴ با روش مطالعه رویداد،^۳ تغییرات عایدی‌های متوسط شاخص‌های بورس اوراق بهادار را در پی ۱۴ حمله تروریستی و نظامی^۴ از سال ۱۹۱۵ بررسی کردند. بر اساس تحقیق آنها، حوادث تروریستی بر بازارهای بورس بزرگ، کم‌تأثیر و بسیار گذراست و غالباً فقط ۱ تا ۳ روز باقی می‌ماند. در این میان، بیشترین ماندگاری تأثیر مربوط به واقعه ۱۱ سپتامبر بوده که ۴۰ روز به طول انجامیده است. البته این دوره بازگشت به حالت عادی، به شرایط و ویژگی‌های بازار بورس مورد نظر بستگی دارد؛ به گونه‌ای که بورس نیروژ، جاکارتا، کوالالامپور و ژوهانسبورگ زمان بیشتر، و بورس جاهایی نظیر لندن، هلسینکی و توکیو زمان کمتری برای بهبود لازم دارند. بازارهای سرمایه آمریکا، نسبت به گذشته، انعطاف‌پذیرترند و در مقایسه با سایر بازارهای سرمایه جهانی، در پی حملات تروریستی زودتر بهبود می‌یابند (Ibid).

الدور و ملنیک^۵ در سال ۲۰۰۴ با استفاده از روش سری زمانی، تأثیر حمله‌ای در فلسطین اشغالی پس از ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۰ را بر شاخص بورس ۱۰۰ تل‌آویو (TA 100) و نرخ ارز بررسی کردند. بر اساس این برآورد، به علت حمله، شاخص بورس مذکور در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۳، ۳۰ درصد پایین‌تر بود. با وجود این، آنها دریافتند هر شکلی از حمله تأثیری اندک بر نرخ ارز دارد.

دراکس^۶ در سال ۲۰۰۴ تأثیرات حملات ۱۱ سپتامبر را بر سهام خطوط هوایی بررسی کرد. او دریافت که پس از ۱۱ سپتامبر، در ۱۱ مورد از ۱۳ مورد سهام

۱ . البته این تأثیر می‌تواند تأثیر تروریسم داخلی را نیز دربرداشته باشد.

2 . Chen and Siems

3 . Event-study Methodology

۴ . از جمله حمله ژاپنی‌ها به پرل هاربور (Pearl Harbor) در دسامبر ۱۹۴۱، پرواز شماره ۱۰۳ پان امریکن (Pan Am Flight) در دسامبر ۱۹۸۸ (واقعه لاکربی) و واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

5 . Eldor and Melnick

6 . Drakos



مطالعه شده، مخاطره سیستماتیک^۱ افزایش یافته است. فقط کی. ال. ام.^۲ و کانتاس^۳ (دو شرکت حمل و نقل غیرآمریکایی) هیچ مخاطره سیستماتیک افزایش یافته‌ای نداشته‌اند. علاوه بر این، در ۹ مورد، واریانس تابع برآوردی افزایش یافت که دال بر افزایش مخاطره سهام خطوط هوایی بوده است (Enders, P. 859).

نمودار جریان تأثیرات تروریسم بر اقتصاد ملی

بر اساس آنچه گفته شد، ترور را می‌توان به تعبیری، وحشت‌آفرینی (همراه با پیام) و اعمال یا تهدید به اعمال خشونت و زور علیه افراد بی‌گناه غیردرگیر در امور جنگی، به صورتی برنامه‌ریزی (حساب / ارزیابی) شده، مخفیانه و غافلگیرانه و خارج از چارچوب قانون (مجرمانه)، به منظور دستیابی به هدفی سیاسی (مرتبط با قدرت حاکم) تعریف کرد. البته در مطالعات تجربی موجود و مصداقیابی‌ها، در استفاده از این واژه اتفاق نظر وجود ندارد و در هر تحقیق باید به تعریف محقق از این اصطلاح توجه کرد.

تروریسم در سطح ملی یا فراملی تحقق می‌یابد و می‌تواند با انگیزه‌هایی داخلی (بومی) یا خارجی (با تحریک یا پشتیبانی و اهداف خارجی) صورت گیرد. تحلیل تأثیر و تأثر بین تروریسم و اقتصاد، تا حد زیادی از تحلیل تعامل بین ناامنی و اقتصاد (اقتصاد امنیت عمومی و ملی) که سابقه‌ای بسیار دیرینه دارد، مایه گرفته است.

زمینه‌ها، علل و امور کمک‌کننده به تروریسم می‌توانند اقتصادی یا غیراقتصادی باشند، اما با توجه به محور اصلی این تحقیق، بر عوامل بسترساز و موجد و مؤید تروریسم تمرکز شده است. اگرچه تنفر شخصی، اعم از تنفر واقعی (درون‌زا) یا ساختگی (افراد یا گروه‌ها و مجامع ذی‌نفع) به عنوان ساده‌ترین عامل مبادرت به عملیات تروریستی نباید از نظر دور داشته شود، به نظر می‌رسد که محرومیت‌ها، محدودیت‌ها و مظالم در هر دو جنبه سیاسی (فشارها و سرکوب و...) و اقتصادی (فقر و تبعیض و...) توجه بیشتری در ریشه‌یابی تروریسم به خود جلب کرده‌اند. سابقه تاریخی و موقعیت اقتصادی از جنبه دورها (چرخه‌ها)ی رونق و رکود اقتصادی، و

۱ . Systematic Risk؛ مخاطره سیستماتیک که در امور مالی، از آن به مخاطره بازار و مخاطره کل یک کاسه نیز تعبیر می‌شود، به مخاطره تفکیک‌ناپذیر کل بازار یا کل یک بخش بازار گفته می‌شود. نرخ‌های بهره در نظام‌های ربوی، کساد و بحران اقتصادی و جنگ‌ها عواملی هستند که با تأثیرگذاری بر کل بازار، موجب ایجاد این نوع مخاطره می‌شوند.

2 . KLM

3 . Qantas



هم‌چنین موج‌های تروریسم در شکل‌گیری تروریسم در کشورهای پردرآمد و کم‌درآمد به گونه‌هایی بعضاً متفاوت، تأثیرگذار قلمداد شده‌اند. البته تروریست‌ها در ساماندهی فعالیت‌های خود به هر صورت نوعی ارزیابی هزینه-فایده خواهند داشت و مطابق تعریف، به طور معمول بدون برنامه و حسابرسی فعالیت نخواهند کرد. همین ارزیابی، از جمله درباره نحوه تأمین مالی، آنها را در انتخاب روش‌ها و جذب نیرو و سازماندهی به تصمیم‌هایی خاص سوق می‌دهد. در کنار همه این عوامل، اقدامات ضد تروریستی نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در تروریسم در یک کشور، چه در داخل چه در تعامل با سایر کشورها، به حساب می‌آید.

همان‌گونه که ماهیت تروریسم، برخی عوامل مؤثر بر آن را تعیین می‌کند، پیامدها و هزینه‌های^۱ تروریسم نیز تابع ماهیت و هم‌چنین مبتنی بر عواملی متعدد است. این پیامدها بعضاً کوتاه‌مدت و بلندمدت، فوری و تأخیری، اقتصادی و غیراقتصادی، و عینی و ذهنی با اندازه‌هایی متفاوت در کشورهای بزرگ و کوچک هستند. تمرکز و تنوع اقتصادی و سیاسی در کشور میزبان یا میهمان ترور در نوع و شدت تأثیرات آن مؤثر است. به علاوه، تروریسم در یک کشور به ویژه با توجه به اقدامات ضد تروریستی آن، بر سایر کشورها تأثیر می‌گذارد و آثار جانبی و سرریز متفاوتی از آن انتظار می‌رود. از این رو، هماهنگی بین‌المللی در مبارزه با تروریسم امری ضروری است.

تروریسم در پی پیام‌رسانی و وحشت‌آفرینی و ایجاد واکنش در هدف است. فوری‌ترین اثر تروریسم ایجاد فضای نااطمینانی و ترس و تنفر در ارزیابی‌های عقلایی است که تأثیر بسیار مهم اقتصادی چه در فعالیت بازیگران و وضعیت و چه در برنامه‌ریزی اقتصادی دارند. در کنار خسارات عینی (تخریب و...) که تروریسم برای اقتصاد به وجود می‌آورد، مطالعات موجود بر تأثیر آن بر بازارهای مالی و بورس و بیمه و تروریسم و تقاضا برای حمل و نقل، به ویژه حمل و نقل هوایی متمرکز شده‌اند. شاخص‌های بازارهای مالی و بورس هم‌چون نشانگرهای درجه حرارت‌سنج بدنه اقتصاد، سلامت و بیماری آن را نمایان می‌کنند. بیمه همواره با برآورد نسبتاً دقیق مخاطره همراه است و از این رو، نرخ بیمه در شرایط پرمخاطره به سرعت افزایش می‌یابد، و این افزایش، با توجه به نقش بیمه در فعالیت‌های کوچک و بزرگ اقتصادی، می‌تواند در تغییر متغیرهای اصلی خرد و کلان اقتصاد نقش ایفا کند. تروریسم برای برخی کشورها منبع

۱. اگرچه از یک دیدگاه، پیامدهای مثبتی از سوی تروریسم برای برخی طرف‌ها، از جمله شرکت‌های تولیدکننده سلاح و مواد ذی‌ربط متصور است، اما از دیدگاه یک تحلیلگر بی‌طرف انسانی، پیامدهای تروریسم، هزینه‌های آن به شمار می‌آیند.



درآمدی سرشار و حیاتی است و به طور کلی نسبت به امنیت فضای فعالیت، بسیار حساس است. البته تأثیر تروریسم بر تورسیم فراز و نشیب فراوان داشته است و برای برخی توریست‌ها با انگیزه‌ها و تمایلات خاص، می‌تواند متفاوت - حتی جذاب - باشد. حمل و نقل به عنوان زیرساخت هر فعالیتی، از تروریسم تأثیر می‌پذیرد و این تأثیر خود به سایر متغیرهای اقتصادی منتقل می‌شود.

در چرخه یک اقتصاد ملی، خانوارها و بنگاه‌های (مؤسسات) اقتصادی و دولت و بخش خارجی اقتصاد به عنوان عناصر اصلی در نظر گرفته می‌شوند. تروریسم بر مصرف و پس‌انداز خانوارها که تقاضا برای تولیدات بنگاه‌ها را شکل می‌دهد، و سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها و سطح دخالت و هزینه‌های دولتی تأثیر می‌گذارد. البته در این میان، برخلاف این تصور که سرمایه‌گذاری، به سرعت^۱ از تروریسم تأثیر منفی می‌پذیرد و سرمایه‌گذاران، کشوری را که دارای فضای تروریستی است، ترک می‌کنند، شواهدی که به برخی از آنها اشاره شد، نشان داده‌اند که به ویژه با افزایش اقتضایی سود در برخی مخاطرات، می‌توان شاهد مصون ماندن نسبی سرمایه‌گذاری از تروریسم بود.

در کنار پیامدهای یادشده، معمولاً در فضای ترس ناشی از تروریسم، دولت به عنوان اصلی‌ترین مسئول تأمین امنیت در جامعه، به اقدامات خود در مقابله با تروریسم می‌افزاید و به تبع آن، هزینه‌های امنیتی خود را افزایش می‌دهد. این امر می‌تواند به فعال شدن اثر ازدحامی بین دولت و بخش خصوصی از یک سو، و فعال شدن اثر جاننشینی در درون ترکیب بودجه دولت به نفع هزینه‌های امنیتی بینجامد.

همان‌گونه که در نمودار ۳ نشان داده شده است، همه آنچه گفته شد، به همراه اقدامات ضد تروریستی خانوارها، به ویژه بنگاه‌ها، بر اقتصاد ملی و رشد و توسعه آن تأثیری انکارناپذیر بر جای می‌گذارند که تحلیل برآیند آن، بسته به موضوع (کشور و سازمان تروریستی و...) مد نظر، به عوامل بسیار متعددی مربوط می‌شود که اندکی از آنها با تمرکز بر تروریسم به اجمال بیان شد. همه آنچه گفته شد، آموزه‌هایی برای سیاست‌گذاری و ساماندهی اقدامات ضد تروریستی است.

۱ . معمولاً تابع سرمایه‌گذاری برخلاف تابع مصرف، تابعی پرنوسان و غیرپایدار تلقی می‌شود که به شدت نسبت به نوسانات و اعتمادپذیری اقتصادی حساس است.

برخی یافته‌ها، و نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تشکیل تاکنون، قربانی فعالیت‌های تروریستی مستمر بوده است، و از رهبر تا مردم عادی از آن مصون نبوده‌اند. در این نوشتار درصدد بوده‌ایم در باره مفاهیم و محورهای اساسی، پیشینه و مطالعات تجربی در خصوص عوامل و پیامدهای اقتصادی تروریسم مروری فشرده داشته باشیم. البته نحوه تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی و فعالیت‌های ضدتروریسم نیز تحلیل و پیامدهایی اقتصادی دارند که به علت محدودیت مجال، به یاری خداوند آن را به مجالی دیگر وا گذاشته‌ایم.

به طور خلاصه، ترور را می‌توان "وحشت‌آفرینی (همراه با پیام) و اعمال یا تهدید به اعمال خشونت و زور علیه افراد بی‌گناه غیر درگیر در امور جنگی، به صورتی برنامه‌ریزی (حساب / ارزیابی) شده، مخفیانه و غافلگیرانه و خارج از چارچوب قانون (مجرمانه) به منظور دستیابی به هدفی سیاسی (مرتبط با قدرت حاکم)" تعریف کرد. مطالعات گزارش شده در باره علل و زمینه‌های بسترساز اقتصادی تروریسم، هیچ نتیجه فراگیر و برانده‌ای برای همه موارد در پی نداشته‌اند. با تمرکز بر تروریسم فراملی، مروری بر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در میان شواهد دال بر اهمیت نسبی عوامل اقتصادی و غیراقتصادی تروریسم، ناسازگاری وجود دارد، و هنوز مطالعه جامعی با ملاحظه همه انواع عوامل بالقوه‌ی تأثیرگذار بر تروریسم به طور همزمان، گزارش نشده است. علاوه بر تعامل "عوامل تعیین‌کننده" با "تروریسم"، وجود تعامل درونی - و در مواردی، همخطی - بین عوامل یادشده نیز دور از ذهن نیست. تصور بر این است که در کنار تأثیر ایجابی شرایط (فقر) اقتصادی بر تروریسم، ممکن است تروریسم نیز در علیتی معکوس، اثری منفی بر توسعه اقتصادی داشته باشد، و این تعامل تشدید شود و هم‌افزایی داشته باشد.

مشاهده‌ها نشان می‌دهند که بسیاری از افراد دخیل در آنچه "تروریسم" نامیده می‌شود، در میان فقیرترین مردم نیستند. کشورهای پردرآمد نسبت به کشورهای کم‌درآمد، تروریسم بیشتری را تجربه می‌کنند، و عوامل غیراقتصادی، گاهی تروریست‌ها را تحریک می‌کنند. از جمله، اختلافات درآمدی فاحش و تنش‌آفرین بین دو گروه در سایر ویژگی‌ها نسبتاً مشابه هستند، و فقدان فرصت‌های اقتصادی برای برخی اعضای جامعه (تبعیض اقتصادی)، می‌تواند در بروز اقدامات تروریستی مؤثر باشد.



در ارزیابی پیامدهای تروریسم، مطالعات تجربی، علاوه بر اختلاف در تعریف‌ها، از روش‌شناسی‌ها و مجموعه داده‌های مختلف استفاده می‌کنند، و با تفاوت سطوح تحلیل (خرد یا کلان)، از تمرکزهای جغرافیایی و دیدگاه‌های نظری و متغیرهای متفاوت استفاده می‌کنند و به نتایجی متفاوت نیز دست می‌یابند. در این میان، احتمالاً اندازه‌گیری هزینه‌های مستقیم تروریسم در قلمرو مورد بحث، ساده‌ترین کار است. اما از سوی دیگر، یک راه جایگزین برای اندازه‌گیری کل هزینه تروریسم عبارت است از مقایسه کل عملکرد اقتصادی کشورها یا مناطق با سطوح بالای تروریسم نسبت به کشورهای با سطوح پایین تروریسم. بعلاوه، تعداد زیادی از مطالعات، بر اندازه‌گیری تأثیر حملات تروریستی بر گستره کل اقتصاد متمرکز شده‌اند. طریقه دیگر برای ارزیابی تأثیر ترور بر تولید کل، بررسی این تأثیر بر سهام شرکت‌های مختلف است. برخی پژوهشگران، به مطالعات موردی در باره تأثیر تروریسم بر رشد اقتصادی روی آورده‌اند، و در بررسی‌های خود درصد برآمده‌اند که نارسایی‌های پیش‌گفته‌ی بررسی گروهی کشورها با استفاده از داده‌های مقطعی و تابلویی را چاره‌جویی کنند. در جدول (۱)، برخی شواهد تجربی در باره تأثیر تروریسم بر رشد اقتصادی خلاصه شده‌اند.

گذشته از هزینه‌های کلی تروریسم، بخش‌های مختلف اقتصادی تأثیرات متفاوتی از تروریسم می‌پذیرند. در این تحقیق، تأثیر تروریسم بر توریسم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت خارجی، و بازارهای مالی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در نمودار (۳)، تعامل تروریسم و اقتصاد (جریان تأثیر: علل و زمینه‌های تروریسم، و پیامدها و هزینه‌های اقتصادی تروریسم) ترسیم شده است. همه آنچه گفته شد، آموزه‌هایی برای سیاست‌گذاری و ساماندهی اقدامات ضدتروریستی است

منابع فارسی

- قرآن کریم

- انیس، ابراهیم و همکاران (۱۳۷۲)، المعجم الوسیط، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱)، تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل: مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه‌شده در همایش پنجم و ششم دی ۱۳۸۰، قوه قضاییه، مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

- دهخدا، علی اکبر (ویرایش سوم، ۱۳۷۷)، لغتنامه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۲)، «اسلام و تروریسم»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۵۹، بهار.

- طارمی، محمدحسین (۱۳۸۷)، «بررسی فقهی اقدامات تروریستی در جوامع اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۱۱، ش ۱ (پیاپی ۴۱)، بهار.

- طباطبایی (علامه)، محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶)، «فهم تروریسم»، فصلنامه امنیت، س ۵، ش ۳، بهار.

- فیرحی، داود و صمد ظهیری (۱۳۸۷)، «تروریسم: تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۳، پاییز.

- مروی، ع. (۱۳۶۵)، «تروریسم: دشواری‌های دستیابی به تعریف عملی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۶، اسفند.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه.

- مهمانپرست، رامین (۱۳۹۰)، «سخنرانی سخنگوی وزارت خارجه ایران در دانشگاه دوستی ملل روسیه»، ۲۰ مهر، <http://www.mfa.gov.ir/NewsShow?menu=236&aspx?NID=1572>

- الموسوی الخمینی (الامام)، السید روح الله (۱۴۰۳ هـ.ق)، تحریر الوسیله، دارالانوار.

- موسوی خمینی (امام)، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره) (۲۲ جلد)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

منابع لاتین

- Enders, W. (2007), "Terrorism: An Empirical Analysis", in T. Sandler, K. Hartley (eds.), *Handbook of Defense Economics*, Vol. 2, Defense in a Globalized World (Ch. 26), Elsevier Science.

- GTD: The Global Terrorism Database, U. S. Department of Homeland Security, National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism, University of Maryland, <http://www.start.umd.edu>.

- Llussá, Fernanda; and José Tavares (January 2007), "The Economics of Terrorism: A Synopsis", in *Economics of Peace and Security Journal*, Vol. 2(1).

- Richardson, Harry W. and Peter Gordon and James E. Moore II (2005), *The Economic Impacts of Terrorist Attacks*, Edward Elgar Publishing Limited.

- Sandler, Todd and Daniel G. Arce (2007), "Terrorism: A Game-Theoretic Approach», in Todd Sandler and Keith Hartley (eds.), *Handbook of Defense Economics*, Vol. 2, Defense in a Globalized World (Ch. 25), Elsevier Science.

- Schneider, Friedrich and Tilman Brück and Daniel Meierrieks (April 2011), The Economics of Terrorism and Counter- Terrorism: A Survey (Part I), *Economics of Security Working Paper 44*, EUSECON: European Security Economics.

